



دلالت آیه ۶۹ سوره انبیاء بر چگونگی تغییر ماهیت

در ابتلاء حضرت ابراهیم (علیه السلام)

سمیه رجبی مهدی آبادی*

چکیده

واژه ابتلاء به معنی امتحان بوده تا مؤمن واقعی از غیرواقعی شناخته شود. حضرت ابراهیم (علیه السلام) دومین پیامبر اولوالعزم است و درباره نام ایشان؛ نخستین بخش آن «اب» به معنای پدر و دومین بخش «رام» به معنای بلندمرتبه است. بر این اساس، ابراهیم به معنی پدر بلندمرتبه می‌باشد. یکی از محوری‌ترین مباحث قرآنی، بحث ابتلاء و امتحان است که اطلاع و آگاهی از آن در زندگی فردی و اجتماعی و سعادت و شقاوت انسان تأثیر بسزایی دارد. در حال حاضر که مردم با امتحانات گوناگون در آخرالزمان مواجه هستند، بیش از هر زمان دیگری نیاز به آشنایی همه انسان‌ها از حقیقت ابتلاء حضرت ابراهیم (علیه السلام) و راه‌های صحیح برون‌رفت از آن وجود دارد. با توجه به این که حضرت ابراهیم (علیه السلام) به عنوان یک شخصیت قرآنی می‌تواند الگوی کامل بشریت قرار گیرد، این سؤال به ذهن می‌رسد که تغییر ماهیت در ابتلاء حضرت ابراهیم (علیه السلام) چگونه بوده است؟ روش نگارش پژوهش به صورت توصیفی و جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای بوده است.

واژگان کلیدی: ماهیت، ابتلاء، علت، حضرت ابراهیم (علیه السلام).

* طلبه سطح دو حوزه علمیه کوثر قزوین، ۰۹۱۹۶۵۸۲۵۰۵

مقدمه

یکی از بحث‌های کلیدی معارف قرآنی، امتحان و آزمایش است که در آیات متعددی از آن سخن به میان آمده است و از زوایای مختلفی به آن نگریسته شده است. آزمایش و امتحان برای زندگی ضروری است و بدون آزمایش، بشر روی تکامل را نخواهد دید؛ به همین دلیل هیچ کس از آزمایش الهی مستثنی نیست، حتی مقرب‌ترین افراد نزد خداوند آزمایش سخت‌تری را برخوردار خواهند بود.

حضرت ابراهیم (علیه السلام) که دومین پیامبر اولوالعزم و صاحب مقامات و کمالات علمی و عملی است و نام مبارک ایشان بارها در قرآن کریم ذکر شده است؛ نیز مورد ابتلاء قرار گرفته و هر بار سربلند از آزمایش الهی، خود را به معبودش نزدیک‌تر می‌یافت.

از آنجایی که آزمایش و ابتلاء یک سنت همگانی است و تأثیر بسزایی در سعادت و شقاوت و پاداش و کیفر انسان‌ها دارد، لازم است که زوایای بحث ابتلاء حضرت ابراهیم (علیه السلام) در آتش از نظر قرآن مورد بررسی قرار گیرد تا همه انسان‌ها از حقیقت امتحان آگاه و با نحوه صحیح برخورد با امتحان الهی آشنا گردند.

با توجه به این که به این موضوع به صورت کامل و مستقل در هیچ کتابی پرداخته نشده و در تفاسیر از جمله تفسیر نمونه و مفاتیح الغیب به صورت مجمل و کوتاه به آن اشاره شده است، به خاطر همین مهم، ابتدا بحث نسب و ولادت حضرت ابراهیم (علیه السلام)، سپس آیات مربوط به ابتلاء آن حضرت مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. نام حضرت ابراهیم (علیه السلام)

ابراهیم خلیل (علیه السلام) دومین پیامبر اولوالعزم است.^۱ نیای پیامبران پس از خود، از جمله موسی، عیسی (علیه السلام) و محمد (صلی الله علیه و آله) در ۶۳ آیه از ۲۵ سوره قرآن، ۶۹ بار نام ابراهیم (علیه السلام) ذکر شده و چهاردهمین سوره قرآن به نام او است.^۲

شکل‌های گوناگون این نام در منابع دینی و غیردینی، با افزایش ادغام، یا جابه‌جایی حروف و هجاها می‌تواند حاکی از شهرت و رواج آن در منطقه هلال خصیب باشد. شکل «ابرام» در نخستین موضعی که در عهد عتیق به آن اشاره کرده، همچون نام‌های یعقوب و یوسف در سده‌های ۱۹ و ۲۰ ق.م در میان آموری‌ها و سایر اقوام منطقه دیده شده است.^۳

درباره معنای ابرام، نخستین بخش آن (أب) به معنای پدر است که بی‌شک واژه‌ای سامی است و دومین بخش آن به احتمال «رام» به معنای دوست داشتن به معنای بلندمرتبه یا عالی است. بر این اساس، معنای ابرام پدر عالی یا متعالی است. همچنین، معنایی که برای آبراهام (پدر امت‌های بسیار) آمده است، گویا فقط ریشه عامیانه دارد؛ اما معنای دیگری که برای ابراهیم آورده‌اند (مانند پدر رحیم) درست نیست.^۴

۲. نسب حضرت ابراهیم (علیه السلام)

ظاهراً میان اهل انساب و مورخان اختلافی نیست که نام پدر حضرت ابراهیم (علیه السلام)، تارخ بوده و نسب آن بزرگوار را تا به نوح پیغمبر (علیه السلام) بعضی نوشته‌اند؛ ابراهیم بن تارخ بن ناحور بن سروج بن رعد بن فالج بن عابر بن شالح بن ارفخشد بن سام بن نوح (علیه السلام).

۱. این که گفته می‌شود حضرت ابراهیم (علیه السلام) دومین پیامبر اولوالعزم بعد از حضرت نوح (علیه السلام) بودند، این سؤال پیش می‌آید که مردم پیش از حضرت نوح (علیه السلام) از چه دین و شریعتی پیروی می‌کردند؟ در جواب باید گفت: از زمان حضرت آدم (علیه السلام) تا زمان حضرت نوح (علیه السلام) زندگی نوع انسانی بسیار ساده بوده، همگان با هم متحد و متفق بوده‌اند و اختلاف مهم - اعم از اختلاف در زندگی مادی و اختلاف در مذاهب، آراء، افکار و عقاید - میان آنان نبوده است. سؤال دیگر این است که حضرت آدم (علیه السلام) و پیروان او چه دینی داشته‌اند و به چه دینی عمل می‌کردند؟ ظاهراً دارای یک سلسله عقاید کلی و مجموعه‌ای از اخلاقیات بوده‌اند. ر.ک: رخ‌شاد، در محضر علامه طباطبائی (ره) ۶۶۵ پرسش و پاسخ اعتقادی و اخلاقی، تفسیری، حدیثی و عرفانی، ص ۷۲ و ۷۳.

۲. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۱، ص ۴۷۷.

۳. موسوی بجنوردی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ص ۴۹۷ و ۴۹۸.

۴. حاجی ربیع، سیری در سیره قرآنی ابراهیم (علیه السلام) ص ۳۰ و دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ص ۴۹۷.

اگر در ضبط نام‌های اجداد آن حضرت در بعضی از تواریخ اختلاف به چشم می‌خورد ولی در نام پدرش تارخ ظاهراً اختلافی نیست، چنانچه از زجاج نقل کرده‌اند که گفته است: میان اهل انساب اختلافی نیست که نام پدر ابراهیم «تارخ» بوده است و روی همین جهت این بحث پیش آمده که آیا اولاً «آزر» لقب یا وصف همان تارخ است و هر دوی آن‌ها یکی هستند یا آن‌ها دو نفر بوده‌اند؟

ثانیاً، آیا آن مردی را که حضرت ابراهیم (علیه السلام) مخاطب قرار داده و به او می‌گوید: «... آیا بت‌هایی را به خدایی خود می‌گیری؟ به راستی که من تو و قوم تو را در گمراهی آشکاری می‌بینم»^۱ و یا این که خدا می‌گوید: «... ابراهیم به پدر و قوم خود گفت: این تصویرها چیست که به عبادت آن‌ها کمر بسته‌اید...»^۲ و در جای دیگر نیز که می‌گوید: «ابراهیم به پدرش گفت ای پدر چرا می‌پرستی چیزی را که نمی‌شنود و نمی‌بیند و کاری برای تو نمی‌سازد - و باری از دوشست بر نمی‌دارد»^۳

در قصص قرآن آمده است:

«آیا وی همان تارخ بوده و این مرد مشرک بت‌پرست پدر صلیبی حضرت ابراهیم (علیه السلام) است و یا شخص دیگری است که حضرت ابراهیم (علیه السلام) او را پدر خوانده و با این نام به او خطاب کرده است؟

البته بحث اول از نظر ما چندان مهم نیست؛ اگرچه از این نظر که در میان ظاهر آیه کریمه قرآنی که می‌گوید: «ابراهیم به پدرش آزر گفت...» و قول اهل انساب بلکه اتفاقی که از آن‌ها نقل شده که نام پدر حضرت ابراهیم (علیه السلام) تارخ بوده، در ظاهر منافات و تناقض مشاهده می‌گردد و از این نظر قابل بحث و دقت است، اما با سخنانی که در این باره گفته‌اند مانند این که: «آزر» لقب تارخ است و با این لفظ و نام توصیفی است که ابراهیم (علیه السلام) به عنوان مذمت از وی کرده و

۱. «وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ آزَرَ اتَّخِذْ أَصْنَاماً آلِهَةً إِنِّي أَرَاكَ وَ قَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»؛ انعام: ۷۴.

۲. «إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ»؛ انبیاء: ۵۲.

۳. «إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَ لَا يُبْصِرُ وَ لَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئاً»؛ مریم: ۴۲.

او را به این وصف خوانده؛ زیرا آزر در لغت به معنای «اعرج» - کج سلیقه - یا «مخطی» - خطاکار - و امثال این‌ها است.

با این توجیه که مطلق قرائت بعضی آیه شریف «أزرأ» بوده که همزه استفهام از اول آن حذف شده و «آزر» را به معنای قوّت و نیرو و نصرت و معاونت و امثال آن معنا کرده و گفته‌اند و معنای آیه این است «هنگامی که ابراهیم به پدرش گفت: آیا به خاطر کمک و نیروی خویش بت‌ها را به پرستش گرفته‌ای»^۱ و غیر این توجیه اشکال برطرف گشته و مشکل حل می‌شود با این که در خود آن اجماعی هم که از زجاج نقل شده خدشه کرده‌اند و فخر رازی آن را مردود دانسته و حجت نمی‌داند.

اما آنچه از نظر ما اهمیت دارد و باید روی آن بحث کنیم، این مسأله است با اجماعی که از بزرگان و محدّثین شیعه نقل شده و اعتقادی که ما داریم که ظاهراً در میان اجداد رسول گرامی اسلام ﷺ بت‌پرستی وجود نداشته و همگی موحد و خداپرست بوده‌اند.^۲

در عربی به پدر و نیز به عمو (که سرپرستی فرزند برادرش را به عهده دارد) «أب» گفته می‌شود.^۳ آزر بت‌پرست و بت‌تراش، عموی ابراهیم بود که سرپرستی او را عهده‌دار بود.^۴ در حدیثی که از قصص الانبیاء راوندی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده، آن حضرت فرمود: «آزر عموی ابراهیم (علیه السلام) و منجم نمرود بود».

۳. ولادت حضرت ابراهیم (علیه السلام)

در مورد تولّد آن حضرت چیزی در قرآن مجید به چشم نمی‌خورد، اما طبق آنچه که در کتاب‌های تاریخی آمده، ستاره‌شناسان به نمرود، پادشاه زمان حضرت ابراهیم (علیه السلام) گفتند: «در آینده پسری متولّد خواهد شد که تشکیلات سلطنت را متزلزل و طومار حکومت را درهم

۱. «وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ آزرَ اتَّخِذْ أَصْنَاماً آلِهَةً إِنِّي أَرَاكَ وَ قَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»؛ انعام: ۷۴.

۲. رسولی محلاتی، قصص قرآن (تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم النبیین)، ص ۱۱۱.

۳. وانقی، دعا‌های قرآنی، ص ۲۰.

۴. صالحی‌منش، طلوع جاودان، ص ۹۳؛ به نقل از بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۴۰.

«مؤمن از قطعات آهن و فولاد محکم‌تر است، چرا که آهن و فولاد هنگامی که داخل آتش شود تغییر می‌یابد، ولی مؤمن اگر کشته و سپس مبعوث گردد و باز هم کشته شود قلبش تغییر نمی‌کند.»^۱

۳- ابراهیم و نمرود

در تواریخ آمده است هنگامی که ابراهیم (علیه السلام) را در آتش افکندند، نمرود یقین داشت که ابراهیم (علیه السلام) تبدیل به مشتی خاکستر شده است، اما هنگامی که خوب نظر کرد، او را زنده دید، به اطرافیانش گفت من ابراهیم را زنده می‌بینم، شاید اشتباه می‌کنم! بر فراز بلندی رفت و خوب مشاهده کرد، دید مطلب همین است، نمرود فریاد زد ای ابراهیم! به راستی که خدای تو بزرگ است و آن قدر قدرت دارد که میان تو و آتش حائلی ایجاد کرده! ... اکنون که چنین است من می‌خواهم به خاطر این قدرت و عظمت، برای او قربانی کنم (و چهار هزار قربانی برای این کار آماده کرد) ولی ابراهیم (علیه السلام) به او گوشزد نمود که هیچ‌گونه قربانی (و کار خیر) از تو پذیرفته نخواهد شد مگر این که قبلاً ایمان آوری.

اما نمرود در پاسخ گفت در این صورت سلطنت و حکومت بر باد خواهد رفت و تحمل آن برای من ممکن نیست! به هر حال این حوادث باعث شد که گروهی از بیدار دلان آگاه به خدای ابراهیم (علیه السلام) ایمان آورند و یا بر ایمانشان بیفزاید (و شاید همین ماجرا سبب شد که نمرود عکس‌العمل شدیدی در برابر ابراهیم نشان ندهد و تنها به تبعید کردنش از سرزمین بابل قناعت کند).^۲

«قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ». این جمله حکایت خطابی تکوینی است که خدای تعالی به آتش کرد و با همین خطاب خاصیت آتش را که سوزاندگی و نابودکنندگی است از آن گرفت و آن را از راه معجزه برای ابراهیم (علیه السلام) خنک و سالم گردانید و به همین جهت که معجزه

۱. «ان المؤمن اشد من زبر الحديد ان زبر الحديد اذا دخل النار تغير و ان المؤمن لو قتل ثم نشر ثم قتل لم يتغير قلبه»؛ قمی، سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۴۷ (ماده امن).

۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۵۰-۴۴۳.

بوده دیگر راهی برای ما باقی نمی‌ماند که برای فهم حقیقت آن پافشاری کنیم، چون ما آنچه از مباحث عقلی داریم تنها در سلسله علل و معلولات، آن هم علل و معلولاتی که تاکنون بدان وقوف یافته‌ایم و همه روزه برایمان تکرار می‌شود جریان دارند و اما خوارق عادات که هیچ اطلاعی از روابط در آن‌ها نداریم از حیطة آن اباحت خارج است. بله اینقدر می‌دانیم که همه نفوس در آن معجزات دخالت دارد و اما این که به طور تفصیل به حقیقت آن‌ها پی ببریم نه و ما در جلد اول این کتاب در مباحث اعجاز به طور مفصل در این مسأله گفتگو کردیم و اگر جمله «قلنا» به طور فصل آمده نه وصل (با واو) بدین جهت بوده که در معنا پاسخ از سؤالی مقدّر بوده و تقدیر کلام این بوده: آتشی بی‌فروزد و او را در آن بیفکنید. آن‌گاه گویا کسی پرسیده بعداً چه شد و کار ابراهیم (علیه السلام) به کجا انجامید، در پاسخ فرمود: به آتش گفتیم برای ابراهیم خنک و سالم باش.

همچنین فصل در جمله «قال» و جمله «قالوا» در آیات سابق این داستان، از همین جهت

بوده.^۱

۱. موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۴۲۷.

نتیجه

از نظر قرآن، نقش انسان در بلا و گرفتاری، نقش قابل توجهی است و اثر آزمایش نیز تربیت انسان است. مهم‌ترین جنبه بلاها، خاصیت رشددهندگی آن است که در حالت آسایش و راحتی، قابلیت‌های نهفته انسان پرورش نمی‌یابد.

از داستان حضرت ابراهیم (علیه السلام) به خوبی فهمیده می‌شود که عامل مهم موفقیت حضرت ابراهیم (علیه السلام) در امتحان الهی، تسلیم و فرمانبرداری او از خداوند بوده است و روشن است که هر که در راه خدا مجاهده نماید بر بلا و گرفتاری و آزمایشات الهی صبر نماید، خداوند او را به راه خودش هدایت می‌کند تا در انتخاب راه صحیح دچار اشتباه نشود.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم

۱. جرجانی، میر سید شریف، تعریفات (فرهنگ اصطلاحات معارف اسلامی)، ترجمه: حسن سید عرب؛ سیما نوربخش، تهران: انتشارات سپیده احرار، چاپ اول، ۱۳۷۷ هـ.ش.
۲. حاجی ربیع، مسعود، سیری در سیره قرآنی ابراهیم (علیه السلام)، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۳ هـ.ش.
۳. حسینی جرجانی، سید امیر ابوالفتح، آیات الأحکام (جرجانی)، تهران: انتشارات نوید، چاپ اول، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۴. رخشاد، محمدحسین، در محضر علامه طباطبایی (ره) (۶۶۵ پرسش و پاسخ اعتقادی و اخلاقی، تفسیری، حدیثی و عرفانی)، قم: بی نا، چاپ دوم، ۱۳۸۳ هـ.ش.
۵. رسولی محلاتی، سید هاشم، قصص قرآن (تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم النبیین)، تهران: انتشارات علمیه اسلامیة، چاپ ششم، بی تا.
۶. زمانی، مصطفی، ابراهیم بت شکن، قم: انتشارات پیام اسلام، چاپ اول، ۱۳۶۹ هـ.ش.
۷. صالحی منش، محمد، طلوع جاودان، قم: انتشارات حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵ هـ.ش.
۸. طباطبایی، سید محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ هـ.ش.
۹. طبرسی، فضل ابن حسن، تفسیر مجمع البیان، ترجمه: گروهی از مترجمان، تهران: انتشارات فراهانی، چاپ اول، ۱۳۶۰ هـ.ش.
۱۰. غفاری، ابوالحسن، قانون علّیت در فلسفه اسلام و تحلیل تطورات، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۴ هـ.ش.

۱۱. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، **مفاتیح الغیب**، بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ هـ.ق.
۱۲. قدردان قراملکی، محمدحسن، **اصل علیت در فلسفه و کلام**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مرکز انتشارات، ۱۳۷۵ هـ.ش.
۱۳. قدس میرحیدری، سید جعفر، **قصص القرآن (تاریخ انبیاء)**، بی‌جا: انتشارات تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۷ هـ.ش.
۱۴. قرطبی، محمد بن احمد، **الجامع لأحكام القرآن**، تهران: انتشارات ناصرخسرو، چاپ اول، ۱۳۶۴ هـ.ش.
۱۵. قمی، شیخ عباس، **سفینه البحار**، بی‌جا: انتشارات دار الأسوه للطباعة و النشر، چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۱۶. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، **دائرة المعارف قرآن کریم**، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۲ هـ.ش.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران: انتشارات دار الکتب الإسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ هـ.ش.
۱۸. _____، **قهرمان توحید**، قم: انتشارات علی بن ابی‌طالب (علیه السلام)، ۱۳۸۸ هـ.ش.
۱۹. موسوی بجنوردی، محمدکاظم، **دائرة المعارف بزرگ اسلامی**، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، بی‌تا.
۲۰. وانقی، حسین، **دعاهای قرآنی**، قم: انتشارات حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۷۷ هـ.ش.